



مقایسه روند تاریخی و نگاه متعالی به مشارکت برای حفظ محیط زیست

منصور شاه ولی^۱، مهدی نوری پور^۲، فاطمه خوشنامی^۳

چکیده

در حال حاضر تلاش های جامعه جهانی برای حفظ محیط زیست بر "پیش گیری از روند فزاینده تخریب محیط زیست"، "رعایت حقوق نسل های آینده برای بهره مندی از محیط زیست"، و "مشارکت جهانی برای حفظ محیط زیست" متمرکز است ولی بررسی روند تاریخی تلاش اخیر نشان می دهد که نتوانسته است با موفقیت لازم و کافی همراه باشد. از جمله دلایل آن می تواند تاکید بر صرف بهبود "روابط انسان با محیط" از طریق بکارگیری علم و فناوری باشد که در حال حاضر با "خلق دانش" از طریق مشارکت مردمی بویژه مردم بومی به اوج خود رسیده است. اما این روند تاریخی که طی شش دهه گذشته و طی سه فراز علمی (جامعه شناسانه)، سیاسی (پراگماتیسم) و اجتماعی احترام آمیز (اومانستی) صورت گرفته است و در مقایسه با نگاه متعالی برای حفظ محیط زیست نشان می دهد که علاوه بر مشارکت مردمی و خلق دانش برای بهبود روابط انسان با محیط در راستای حفظ آن، به طور همزمان سه رابطه دیگر نیز باید مد نظر قرار گیرد که عبارتند از "رابطه انسان با خدا"، "رابطه خدا با طبیعت" و "رابطه انسان با خود و دیگران". در این مقاله، "روند تاریخی مشارکت" و با "نگاه متعالی" به مشارکت برای حفظ محیط زیست تحلیل می گردد و در پایان، توصیه های لازم به نهاد های آموزشی نظیر سازمان ترویج کشاورزی برای چگونگی برخورداری از نگاه متعالی در راستای حفظ محیط زیست ارائه می شود.

واژه های کلیدی: محیط زیست، مشارکت، متعالی، ترویج کشاورزی.

^۱ استاد دانشگاه شیراز، نویسنده مسئول

^۲ دانشیار توسعه روستائی دانشگاه یاسوج

^۳ دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز



مقدمه

قبل از جنگ دوم جهانی، کشورهای جهان عموماً در صدد جنگ و کشورگشایی بودند. اما پس از آن عملاً شرایط حاکم بر جهان به طور کلی تغییر کرد. برای مثال، سازمان ملل دهه های ۵۰ و ۶۰ میلادی را به عنوان دهه های توسعه معرفی نمود و کشورهای مختلف با اتخاذ رویکرد ها و سیاست های گوناگون که البته عمدتاً برگرفته از پارادایم غالب توسعه^۴ و نظریه های رشد^۵ و نوسازی^۶ بودند، فرآیند توسعه برنامه ریزی شده^۷ خود را آغاز نمودند. اما حدود دو دهه فعالیت و برنامه ریزی در این زمینه نشان داد عملاً بسیاری از اهداف مورد نظر محقق نشده اند. به نحوی که حتی دهه های بعدی، دهه های تردید و بازنگری نامیده شدند. این روند طی سالها و دهه ها نیز ادامه یافت. مفاهیمی نظیر توسعه درون زا^۸، توسعه همه جانبه^۹ و توسعه پایدار^{۱۰} از جمله مواردی بودند که طی دهه های ۷۰ و ۸۰ میلادی در فرآیند توسعه معرفی شدند. سرانجام مفهوم "توسعه پایدار" به موازات پیشرفت و توسعه جوامع بشری و علی رغم ظهور مشکلات و موانع مختلفی که در اثر فرآیند توسعه به وجود آمده بودند، مطرح گردید (اقتباس از زمانی پور، ۱۳۷۳). اکنون، حدود نیم قرن از ظهور و معرفی این مفهوم می گذرد و در این میان، تلاشهای متنوعی در این راستا صورت گرفته، برای مثال، نشست ها و همایش های گوناگونی برگزار شد یا نظریه ها و مفاهیم مختلفی معرفی شده اند. اما در حال حاضر، کماکان بسیاری از اثرات و پیامدهای سوء فرآیند توسعه به قوت خود باقی است. در یک دهه اخیر حتی شرایط بغرنج تر شده است و بروز پدیده خشکسالی در سطح جهان، مباحث حادی تحت عنوان تغییرات اقلیم^{۱۱} مطرح شده است که باعث گردیده تا برنامه ها، سیاستها، تحقیقات و غیره به آن معطوف گردد. به بیان دیگر، نه تنها آثار و پیامدهای سوء فرآیند توسعه بر طرف یا کمتر نشده است، بلکه حتی، مشکلات دیگری اضافه شده است نظیر خشک شدن جنگل ها، قطع درختان و قاچاق چوب، آتش سوزی ها، طغیان آفات و امراض، انواع فرسایش بادی یا آبی، از بین رفتن جنگل ها یا مراتع به دلیل بهره برداری بی رویه، خشکسالی مفرط، بروز طوفان ها، هجوم ریزگرد ها، شوری زمین های زراعی، گسترش بی رویه شهرها به ویژه کلان شهرها و غیره از حادثترین این موضوعات هستند که طی سالهای اخیر در سطوح ملی و بین المللی مطرح شده اند. برای حل یا فائق آمدن بر مسایل و مشکلات فوق، قطعاً ایجاد تغییر در رویکرد ها، برنامه ها و سیاست ها ضروری است و به همین دلیل، از طرف محققان و اندیشمندان از یک سو و عاملان توسعه از سوی دیگر برخی تغییرات در رویکردها و سیاستها معرفی و اجرا شده است. یکی از رویکردهای معرفی شده در این زمینه که به ویژه طی چند سال اخیر بسیار مورد توجه بوده است، مشارکت^{۱۲} و همکاری هر چه بیشتر مخاطبان در برنامه ها و فعالیتهای توسعه است. به عبارتی، گفته می شود که فرآیند توسعه "از انسان"، "با انسان" و "برای انسان" می باشد و به همین دلیل، در برنامه ها و فعالیتهای توسعه باید از مشارکت و همکاری مردم محلی برای انجام بهتر امور، کمک گرفت. مصداق بارز ظهور ضرورت توجه به مشارکت مخاطبان در برنامه ها و فعالیتهای توسعه را می توان در الگوها، مفاهیم و نظریه هایی که از دهه ۷۰ میلادی ظهور کردند ملاحظه می شوند، که در این میان، دو رویکرد ارزیابی سریع روستایی^{۱۳} و ارزیابی مشارکتی روستایی^{۱۴} که به ترتیب در اواسط و اواخر دهه مذکور توسط رابرت چمبرز^{۱۵} معرفی شدند، به خوبی گویای ضرورت این رویکرد در جهان است. اما نکته مهم، این

^۴ Dominant Paradigm of Development

^۵ Growth

^۶ Modernization

^۷ Planned Development

^۸ Self-reliant development

^۹ Holistic Development

^{۱۰} Sustainable Development

^{۱۱} Climate Change

^{۱۲} Participation

^{۱۳} Rapid Rural Appraisal (RRA)

^{۱۴} Participatory Rural Appraisal (PRA)

^{۱۵} Robert Chambers



است که اکنون پس از گذشت چندین دهه، این رویکرد نیز همانند بسیاری از رویکردها و سیاستهایی که طی دهه های اخیر به کار گرفته شده اند، توفیق چندانی به همراه نداشته است.

مقاله حاضر با مرور منابع نظری، سعی دارد تا با مرور سیر تاریخی نظریه ها و مفاهیم مشارکت، دلیل ناکارآمدی آن را تبیین نموده و نهایتاً رویکرد مناسبی را برای مشارکت معرفی نماید که به نظر می رسد می تواند در رفع این ناکارآمدی موثر باشد. بر این اساس، اهداف این مطالعه به شرح زیر می باشند:

هدف کلی: شناخت روند تاریخی نظریه ها و مفاهیم مشارکت برای حفظ محیط زیست و مقایسه آن با نگاه متعالی به مشارکت اهداف ویژه:

- شناخت سیر تاریخی نظریه ها و مفاهیم مشارکت
- نگاه متعالی به مشارکت
- مقایسه سیر تاریخی و نگاه متعالی به مشارکت
- ارائه توصیه های لازم به نهاد های آموزشی نظیر سازمان ترویج کشاورزی برای چگونگی برخورداری از نگاه متعالی به مشارکت در راستای حفظ محیط زیست

روش تحقیق

با توجه به ماهیت موضوع و اهداف تحقیق، روش پژوهش حاضر شامل تحلیل نظری و مرور اسناد ثانویه می باشد. در این زمینه، اسناد و مدارک اعم از کتابها، مقالات و گزارشها در زمینه مفاهیم مورد نظر بررسی و نهایتاً و با بهره گیری از مفاهیم و تجربیات موجود، سعی گردید تا یک گزیدار مناسب در زمینه موضوع مورد نظر ارائه گردد.

یافته ها و بحث

همانگونه که در قسمت قبل نیز اشاره شد، مبانی و مفاهیم توسعه، طی دهه های گذشته تغییرات بسیاری را به خود دیده است که به اختصار در جدول ۱ نمایش داده شده است.

جدول ۱: سیر تاریخی مبانی و مفاهیم توسعه طی دهه های گذشته

ردیف	دهه های مربوطه	نظریه غالب	اهداف های اصلی	جایگاه مردم محلی	رهیافت های ترویجی بکاررفته
۱	۵۰ و ۶۰ میلادی	رشد و نوسازی	رشد اقتصادی، افزایش نقدینگی	مخاطب و پذیرنده	رهیافت عمومی، رهیافت کالا
۲	۷۰ میلادی	توسعه، توسعه انسانی	رشد اقتصادی به همراه برابری	نیازمند آموزش و تغییر	آموزش و دیدار
۳	۸۰ میلادی	توسعه همه جانبه، توسعه پایدار	رشد، توسعه، حفظ محیط زیست	مشارکت کننده و فعال	تحقیق و ترویج در نظامهای زراعی، ترویج مشارکتی، تسهیم هزینه، توانمندسازی، خصوصی سازی

تنظیم: نویسندگان

همانگونه که ملاحظه می گردد، از دهه ۱۹۸۰ میلادی، توجه به مشارکت در برنامه ها و فعالیتهای توسعه از اهمیت و جایگاه ویژه ای برخوردار شده است. و تأکید بر توسعه مردم محور^{۱۶} است و اعتقاد آن است که مردم باید محور همه فعالیت های توسعه باشند. زیرا مردم نمی توانند توسط عوامل خارجی، توسعه یابند بلکه آن ها می توانند خود را از طریق مشارکت در تصمیم گیری و فعالیت های تعاونی که بر



بهبودی آنان موثر است، توسعه دهند. بر این اساس تا زمانی که مردم، بی اختیار به سوی انجام کارهای خاص و حتی جدید هدایت می‌شوند، توسعه نمی‌یابند بلکه باید برای آن‌ها فرصت تفکر، تصمیم‌گیری، تبادل تجربه و به‌طور کلی مشارکت فعالانه فراهم نمود. توسعه‌ی مردم‌محور، توسعه‌ی مشارکتی نیز نامیده می‌شود. در هر صورت، ارزیابی برنامه‌های توسعه‌ی حاکمی از نیاز جدی به افزایش مشارکت روستاییان در فرآیندهای توسعه است (شعبانعلی فمی و همکاران، ۱۳۸۳ به نقل از اوکلی و همکاران).

به‌عبارت دیگر، نتایج و تأثیرات راهبردهای تجربه‌شده‌ی قبلی در توسعه مانند راهبردهای اصلاحی و تکنوکراتیک یا فن‌سالارانه، به لزوم ظهور راهبرد جدید توسعه به نام توسعه مشارکتی منجر شده است. اکثر متفکران و نظریه‌پردازان توسعه نیز بر این عقیده‌اند که بکارگیری رهیافت‌های مشارکتی برای کشورهای درحال توسعه، نه به صورت یک گزیدار بلکه یک ضرورت حتمی است (تامپسون^{۱۷}، ۱۹۹۵).

ازکیا و غفاری (۱۳۸۰) به نقل از چمبرز بیان می‌دارند که در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ "پارادایم اشیاء" بر مباحث توسعه حاکم بود که بر ایجاد زیرساخت‌های بزرگ، صنعتی شدن امور آبیاری تأکید داشت و اقتصاددانان و مهندسان با پارادایم ریاضی و طبیعی از بالا به پایین، قواعد، رویه‌ها و شیوه‌های آبیاری را تعیین می‌کردند. با ورود برخی دانشمندان اجتماعی و نیز کمک برخی آژانس‌های غیردولتی، شاهد انتقال از پارادایم اشیاء به "پارادایم مردم" هستیم که محور توسعه را مردم و به ویژه مردم فقیر قرار می‌دهد. البته در سطح نظری تحول به خوبی رخ داده است ولی در عمل همچنان واقعیت از بالا به پایین، جریان و حاکمیت دارد. البته ذکر این نکته نیز ضروری است که مشارکت دارای تعاریف و انواع گوناگونی است ولی در یک تقسیم‌بندی کلی سه تعبیر گسترده از مشارکت وجود دارد:

۱- مشارکت به‌عنوان همکاری^{۱۸}: این نوع مشارکت در بسیاری از برنامه‌های توسعه‌ی جهان سوم دیده می‌شود که روستاییان در اجرای برنامه‌های از قبل طراحی شده همکاری دارند و بدون همکاری مردم محلی انجام بسیاری از این برنامه‌ها غیرممکن یا دشوار است.

۲- مشارکت به‌عنوان سازمان^{۱۹}: در بسیاری از ادبیات توسعه سازمان یک ابزار اساسی برای مشارکت در نظر گرفته می‌شود. این سازمان‌ها اعم از این که توسط افراد خارج از روستا یا روستاییان تأسیس شده باشند، به مثابه ابزار توسعه مشارکت محلی عمل می‌کنند. برخی نیز معتقدند که فرآیندهای مشارکتی زمینه‌ساز بروز سازمان‌هایی مانند تعاونی یا سازمان کشاورزان است که می‌توانند در توسعه نقش مهمی ایفا نمایند.

۳- مشارکت به‌عنوان توانمندسازی^{۲۰}: در دهه‌ی اخیر، توانمندسازی روستاییان بسیار مورد توجه قرار گرفته است. پس از کنفرانس جهانی اصلاحات ارضی و توسعه‌ی روستایی در سال ۱۹۷۲ که به انتقال قدرت توجه گردید، واژه «تواناسازی» وارد ادبیات توسعه گردید ولی برداشت‌های گوناگونی از تواناسازی وجود دارد. برخی آن‌را توسعه‌ی مهارت‌ها و توانایی‌های روستاییان برای افزایش قدرت در اداره‌ی بهتر زندگی و گفتگو با سازمان‌های ارائه‌کننده خدمات توسعه‌ای می‌دانند. برخی دیگر، آن‌را توانمندسازی روستاییان برای اتخاذ تصمیمات و انجام اقداماتی می‌دانند که برای توسعه زندگی آنان ضروری است (شعبانعلی فمی و همکاران، ۱۳۸۳). در همین زمینه، خورسندی (۱۳۸۳)، با توجه به معیارها و جنبه‌های متعدد و متنوع، مفهوم مشارکت را دسته‌بندی نموده است که جدول ۲ برخی از این معیارها را نشان می‌دهد.

۱۷. Thompson

۱۸. Participation as contribution

۱۹. Participation as organization

۲۰. Participation as empowering

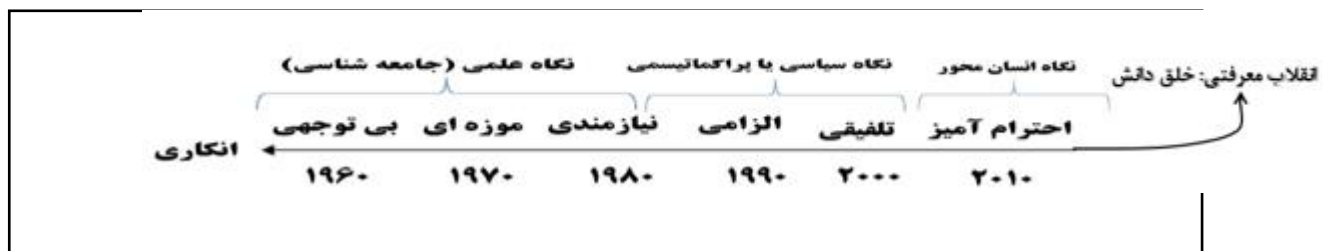


جدول ۲- دسته بندی انواع مشارکت با معیارهای مختلف

ردیف	معیار دسته بندی	نوع مشارکت	ردیف	معیار دسته بندی	نوع مشارکت
۱	محدوده‌ی زمانی مشارکت	مستمر، مداوم، مقطعی	۲	کسب منفعت	خودداری، همیاری- دگریاری
۳	چگونگی انجام کنش	فکری (ذهنی) - عملی	۴	جهت گیری کنش	حفظ وضع موجود- تغییر وضع موجود
۵	تحرك و فعالیت مشارکت کنندگان	مشارکت منفعلانه، فعال، درگیر شدن، سهم داشتن	۶	گسترده‌گی و گروه شرکت کنندگان	مشارکت همگان، مشارکت سنجش
۷	چگونگی عضویت	طبیعی، ارادی، خودبه خودی، برانگیخته، تحمیلی	۸	محدوده‌ی جغرافیایی	محلی، شهری، روستایی
۹	رضایت و تمایل مشارکت کنندگان	اجباری (غیرارادی)، داوطلبانه (اختیاری)	۱۰	حدود و گستره‌ی دخالت مردم	مشارکت تام (اساسی حقیقی)، مشارکت جزئی (حاشیهای، ضمنی)
۱۱	موضوع	اقتصادی، سیاسی، اجتماعی- فرهنگی، روانی	۱۲	انگیزه	درون‌زا، برون‌زا
۱۳	سطوح اجرایی	روستایی، منطقه‌ای، ملی	۱۴	اهداف و انتظارات مشارکت کنندگان	مردم‌محوری- تولیدمحوری
۱۵	نظری	دولت‌محور- جامعه‌محور	-	-	-

منبع: خورسندی (۱۳۸۳).

همانگونه که ملاحظه می گردد، صرفنظر از این نوع بررسی موضوع مشارکت، به نظر می رسد چگونگی پرداختن به این موضوع نیز طی دهه های گذشته تغییراتی را به خود دیده است. این تغییرات به اختصار در شکل ۱ نمایش داده شده است. به نظر می رسد علل ناکارآمدی برنامه ها و فعالیتهای مشارکتی یا حداقل، تحلیل بازدارنده های موفقیت این رویکرد را می توان از الگوی زیر مورد بررسی قرار داد.



شکل ۱: سیر تکاملی نگاه به مشارکت و چگونگی پرداختن به آن طی دهه های گذشته (شاهولی و حاج حسینی، ۱۳۹۵)

همانگونه که شکل ۱ نشان می دهد و در بالا نیز به آن اشاره شد، پرداختن به موضوع مشارکت در برنامه ها و فعالیتهای توسعه، یک دوره تکاملی را به شرح زیر طی نموده است:

۱- دوره نگاه علمی (جامعه شناختی): در این دوره که از اواخر دهه ۱۹۶۰ تا اواسط دهه ۱۹۸۰ میلادی به طول انجامید، ضرورت پرداختن به موضوع مشارکت توسط اندیشمندان و محققان مختلف به ویژه جامعه شناسان مورد توجه قرار گرفت. مبنای این توجه نیز صرف تحلیل های علمی و ضرورت های زمان مربوطه از جمله بروز آثار و پیامدهای سوء برنامه های توسعه بود که در بالا به تفصیل بحث گردید. توجه به موضوع مشارکت در این دوره، خود سه فراز را به شرح زیر طی نمود:



۱-۱- دوره بی توجهی: در ابتدای دوره و پیش از ظهور بحرانهای ناشی از فرآیند توسعه، موضوع مشارکت چندان مورد توجه نبود. برنامه ها و سیاستهای توسعه از طرف عاملان یا سازمانهای مربوطه تهیه و اجرا می شد و به مردم محلی، دانش، بینش و عقاید آنها چندان توجه نمی گردید.

۱-۲- دوره نگاه موزه ای: این دوره را می توان ابتدای لزوم مشارکت در فرآیند توسعه دانست. در این دوره اصل مشارکت، ضرورت و اهمیت آن مورد توجه قرار گرفت. اما این توجه فقط حالت موزه ای داشت. مشارکت به عنوان یک نوآوری، یک ایده نو یا شاید یک کالای لوکس تلقی می گردید ولی در عمل، چندان مد نظر قرار نداشت. به عبارت دیگر، توجه به آن در حد طرح مفاهیم و نظریه پردازی بود. مفاهیمی نظیر ارزیابی سریع روستایی در این دوره مطرح شدند و مشارکت مخاطبان در برنامه ها و فعالیتها، به صورت منفعلانه مد نظر بود.

۱-۳- دوره نگاه نیازمندانه: به دنبال عدم توفیق رویکردهای مشارکتی معرفی شده در دوره قبل و همچنین، بحرانی شدن برخی آثار و نتایج برنامه های توسعه، در این دوره نگاه جدی تر نسبت به ضرورت مشارکت صورت گرفت. در این راستا، به مشارکت واقعی مخاطبان برنامه ها، توجه بیشتری معطوف گردید. ظهور مفاهیمی نظیر ارزیابی مشارکتی روستایی به جای ارزیابی سریع روستایی و به ویژه برگزاری نشستهای جهانی نظیر کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه (برنتلند)^{۲۱} و معرفی مفهوم جدیدی در ادبیات توسعه به نام توسعه پایدار^{۲۲}، همگی موید این ضرورت می باشند. در زمینه ترویج کشاورزی نیز رهیافت هایی نظیر تحقیق و ترویج در نظامهای زراعی^{۲۳} معرفی شدند.

۲- دوره نگاه سیاسی (پراگماتیسمی): در این دوره که حدود اواسط دهه ۱۹۸۰ تا اواسط دهه ۲۰۱۰ میلادی یعنی حدود دو دهه به طول انجامید، با گذشت زمان، مشارکت جدی تر کانون توجه بود و بعلاوه، در سطح بین المللی مطرح گردید. نشست ها و همایش های محلی و بین المللی در این زمینه برگزار گردید و مفاهیم جدیدی در فرآیند توسعه از جمله توجه به "دانش بومی"^{۲۴} مخاطبان در برنامه ها و سیاستها مطرح گردید. این دوره خود به دو فراز به شرح زیر تقسیم بندی می شود:

۲-۱- دوره توجه الزام آمیز: این دوره را شاید بتوان دوران اوج توجه به موضوع مشارکت نامید. اهمیت و ضرورت توجه به مخاطبان و مشارکت و دانش بومی آنها باعث اقدامات مختلفی در این دوره گردید که برخی از مهمترین آنها، معرفی شاخص توسعه منابع انسانی^{۲۵} توسط سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۰، نامگذاری سال ۱۹۹۳ به عنوان سال مردم بومی جهان، برگزاری کنفرانس بین المللی توسعه انسانی پایدار به کمک دانش بومی توسط سازمان ملل متحد و امضای توافق نامه بین المللی تنوع زیستی و آغاز تلاشهای بین المللی برای شناخت دانش بومی در همین سال می باشد.

۲-۲- دوره نگاه تلفیقی: در این دوره دو موضوع اصلی کانون توجه بود: نخست، این که توجه صرف به توسعه و پیشرفت علمی در زمینه های مختلف سبب بروز پیامدها، مشکلات، بحرانها و مسایل عدیده ای شده است، اما نکته دوم حایز اهمیت این بود که کنار گذاردن دیدگاه اول (توسعه و پیشرفت علمی) و توجه صرف به دانش بومی و محلی مخاطبان برنامه ها، ممکن است عملاً توفیق و تغییر چندانی به همراه نداشته باشد. لذا از این زمان ضرورت تلفیق^{۲۶} دانش بومی و رسمی در فرآیند توسعه مطرح گردید. برای مثال، صدور بیانیه جهانی تنوع فرهنگی در سال ۲۰۰۵ و تاکید بر ضرورت تلفیق دانش بومی و رسمی در متن بیانیه مذکور از این قبیل می باشد.

^{۲۱} Burnt land

^{۲۲} Sustainable Development

^{۲۳} Farming Systems Research and Extension (FSR&E)

^{۲۴} Indigenous Knowledge

^{۲۵} Human Resources Development (HDI) Index

^{۲۶} Integration



۳- دوره نگاه انسان محور یا اومانیستی^{۲۷}: همانگونه که ملاحظه گردید، طی دهه های گذشته، تغییر و تحولات زیادی در توجه به موضوع مشارکت در فرآیند توسعه رخ داد. اما شاید بتوان گفت که وجه مشترک تمامی تعاریف و مفاهیم فوق، این است که مشارکت در حد " نظریه پردازی و مفهوم سازی" مد نظر بوده و اگر به شکل عملی نیز به آن توجه ای شده است در سطح بسیار محدودی بوده است. در سالهای اخیر مجددا انسان محوری فرآیند توسعه مد نظر قرار گرفته است. البته این انسان محوری و اولویت انسان در فرآیند توسعه به این معنا نیست که موجودات دیگر کمتر باید مورد توجه قرار گیرند و کل فرآیند توسعه باید در خدمت انسان ها باشد. بلکه انسان محوری فرآیند توسعه در حقیقت به نقش و اهمیت انسانها به عنوان کنشگر اصلی در این فرآیند توجه می نماید و معتقد است در این راستا باید انسانها مورد توجه و اهمیت بیشتری قرار گیرند. در همین راستا، پارادایم نوین زیست بوم^{۲۸} جانشین پارادایم نوین زیست محیطی^{۲۹} می شود که بجای توجه صرف به حفظ محیط زیست و منابع طبیعی، زیست بوم^{۳۰} را به عنوان یک کل در نظر می گیرد و بر حفظ کل آن تاکید دارد که محیط زیست و منابع طبیعی را یک بخش از آن می داند (دانلپ^{۳۱} و همکاران، ۲۰۰۰).

۳-۱- دوره نگاه احترام آمیز: در این دوره که می توان آن را دوره نگاه متعالی برای حفظ محیط زیست نامید، بر این تاکید دارد که علاوه بر مشارکت مردمی و خلق دانش برای بهبود روابط انسان با محیط در راستای حفظ آن، به طور همزمان سه رابطه دیگر نیز باید مد نظر قرار گیرد که عبارتند از "رابطه انسان با خدا"، "رابطه خدا با طبیعت" و "رابطه انسان با خود و دیگران". به عبارت دیگر، نظریه ها و مفاهیم مطرح شده در دوره های گذشته، صرفنظر از تفاوت هایی که با یکدیگر دارند، دارای یک ویژگی مشترک هستند که آن هم صرف توجه به "رابطه بین انسان و طبیعت" می باشد. اما در مقاله حاضر، به این موضوع پرداخته می شود که توجه واقعی به طبیعت و حفظ محیط زیست به این نوع رابطه محدود نمی شود و همانگونه که اشاره شد، روابط دیگری را نیز در بر می گیرد. این نگاه متعالی و روابط مذکور، در ادامه معرفی می گردند.

الف) رابطه انسان با طبیعت: زندگی انسان وابسته به طبیعت است. انسان هم بر طبیعت تاثیر می گذارد و هم از آن تاثیر می پذیرد. انسانها ضمن این که از دیرباز برای تامین غذا و مایحتاج خود به طبیعت پیرامون رو می آورده اند، به ویژه در سالهای اخیر، برای تفریح، سرگرمی و ایجاد نشاط ذهنی و جسمی نیز به طبیعت رو می آورند. طبیعت می تواند سه کارکرد اصلی برای انسان ها به همراه داشته باشد:

- شکل گیری شخصیت انسان
- امرار معاش و زنده ماندن (رستمی، ۱۳۸۶)
- کاهش استرس و اندوه و کسب آرامش (Keniger et al., ۲۰۱۳).
- بدیهی است با وجود اهمیت و کارکردهای طبیعت برای انسانها، لازم است انسانها در رفتار خود نسبت به طبیعت بازنگری نمایند و از آسیب و تخریب آن امتناع ورزند.

ب) رابطه انسان با خود و دیگران (سایر انسانها و موجودات): در رابطه انسانها با یکدیگر و سایر موجودات، توجه به نکات زیر، ضروری است:

- خودشناسی: انسان بر اساس فطرت الهی با دیگران همکاری می کند و حقوق آنها را محترم می شمارد. لذا، مدنیت فطری او، هیچ گاه با غارت منابع طبیعی و آلودن طبیعت و تجاوز به حقوق دیگران سازگار نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۶).
- احترام به حقوق حیوانات: هر حیوانی، در اختیار انسان باشد یا نباشد و فایده برساند یا نرساند، اگر در تغذیه، حفظ و نگهداری، نیازمند او باشد، به حکم وظیفه شرعی و انسانی، باید نیازهای آن حیوان را تأمین نماید (جوادی آملی، ۱۳۹۰).

^{۲۷} Humanistic

^{۲۸} New Ecological Paradigm (NECP)

^{۲۹} New Environmental Paradigm (NEP)

^{۳۰} Ecology

^{۳۱} Dunlap



• آموزه‌های اسلامی و حق تصرف انسان در طبیعت: بر اساس آموزه‌های دینی، انسانها فقط در حد کفاف، و یا رعایت حدود الهی، حفظ حقوق آیندگان و عمران و آبادی زمین حق تصرف و تغییر در طبیعت را دارند. استفاده بیش از حد از طبیعت، مصداق بارز اسراف است که در آموزه‌های دینی به شدت نکوهش شده است (ابراهیمی و فاضلی، ۱۳۹۴).
رابطه انسانها با یکدیگر و همچنین رابطه آنها با دیگر موجودات زنده یا حیوانات (به عنوان بخشی از طبیعت) از جمله روابطی هستند که در زندگی انسان‌ها بسیار مهم و تاثیر گذار می‌باشند و برقراری آنها به نحو صحیح می‌تواند در موفقیت و توسعه انسانی گام مهم و موثری ایفا نماید.

ج) رابطه انسان با خدا: خداوند متعال، خالق تمامی جهان هستی اعم از انسانها، حیوانات، گیاهان و به طور کلی هر موجود زنده و غیر زنده می‌باشد. خداوند، از طریق کتب آسمانی پیامبران یا فرستادگان خود تعالیم مختلفی را برای نجات و رستگاری انسانها معرفی نموده است. قطعا شناخت این تعالیم و اجرای آنها در زندگی هر شخص لازم است. در زمینه رابطه انسان با خدا موارد زیر باید قابل توجه باشند:

- خلقت انسان: خدا حق است و همه موجودات به حق آفریده شده‌اند و هدف از خلقت انسان، عبادت خدا و به معنای پیمودن صراط مستقیم از جمله بهره‌گیری از روزی پاک و حلال و شکر نعمت‌های الهی است (جوادی آملی، ۱۳۹۱).
- حوادث عالم و اعمال انسان‌ها: حوادث عالم تا اندازه‌ای تابع اعمال انسان‌هاست (همان).
- برخورداری از نعمت و شکر آن: خداوند با تأکیدی مضاعف، فاعل افزودن را خود معرفی کرده است ولی، فزونی را به خود بندگان نسبت داده است (علی پور، ۱۳۸۶).

طبعاً علم و دانش بشری انسانها با علم الهی به عنوان خالق یا پروردگار، قابل مقایسه نیست و زمانی که خداوند متعال انسانها را خلق نموده و برای نجات و رستگاری آنها تعالیمی را هم ارائه داده است، عمل به این قوانین یا تعالیم الهی، می‌تواند سعادت و رستگاری بشر را نیز به دنبال داشته باشد.

د) رابطه خدا با طبیعت: از دیدگاه الهی، طبیعت و کاینات آن چنان ارزش و جایگاهی دارند که در بسیاری آیات و روایات، خداوند، انسان را به مشاهده و تعمق در طبیعت دعوت نموده است. برای مثال، خداوند در آیه ۲۰ سوره عنکبوت می‌فرماید: "بگو در زمین بگردید و بنگرید چگونه آفرینش را آغاز کرده است سپس باز خداست که نشان آخرت را پدید می‌آورد و خداست که بر هر چیزی تواناست"^{۳۲}. در زمینه رابطه خدا با طبیعت نیز برخی نکات را می‌توان برشمرد:

- اثبات خالق متعال: تدبّر و تفکّر در طبیعت و هر یک از اجزای آن است که عظمت الهی را نمایان ساخته و انگیزه مضاعفی برای شکرگذاری و حق‌شناسی در انسان به وجود می‌آورد (رستمی، ۱۳۸۶).
- نشان دادن عظمت و قدرت خداوند: فرمانروایی آسمان‌ها و زمین و هر چه بین آن‌هاست از آن خداست. خدا هر آنچه می‌خواهد، می‌آفریند (همان).
- تقدس طبیعت: به دلیل این که طبیعت، نشانه خداست، تقدّس دارد و راهنمای انسان به جمال و کمال مطلق است و کسی حق ندارد جمال و جلال الهی را نابود کند (شاه مراد به نقل از رحمانی، ۱۳۹۰).

با تعمق در روابط فوق، مشخص می‌گردد که در توصیه‌های فنی و کارشناسی حفظ طبیعت و محیط زیست، رابطه انسان با طبیعت مد نظر قرار می‌گیرد. اما در نگاه متعالی که در این مقاله معرفی می‌گردد، این نکته مورد تأکید می‌باشد که علاوه بر این رابطه، روابط دیگری نیز اهمیت دارند که توجه به آنها می‌تواند در پایداری محیط زیست گره گشا باشد، زیرا پس از چندین دهه، فعالیتها و برنامه‌های مختلف اجرا شده حفظ محیط زیست چندان کارساز نبوده‌اند. بنابراین، تغییر یا اصلاح رویکردها، برنامه‌ها و فعالیتها، ضروری به نظر می‌رسد.

^{۳۲} قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ



نتیجه گیری و پیشنهادها

همانگونه که اشاره گردید، در این مقاله، سعی شده است که یک نگاه متعالی به محیط زیست و برای پایداری آن ارائه گردد. در این نگاه، به این موضوع توجه می شود که علاوه بر مشارکت مردمی و خلق دانش برای بهبود روابط انسان با محیط در راستای حفظ آن، به طور همزمان سه رابطه دیگر نیز باید مد نظر قرار گیرد که عبارتند از "رابطه انسان با خدا"، "رابطه خدا با طبیعت" و "رابطه انسان با خود و دیگران".

نکته حایز اهمیت، این است که این روابط اثر تعاملی دارند. برای مثال، اگر شخصی در رابطه خود با خدا به طرز صحیح عمل نماید، بر دیگر ابعاد زندگی وی از جمله روابط وی با دیگران و با طبیعت نیز تاثیر خواهد گذارد. شاید بتوان رابطه انسان با خدا را به عنوان منبع لایزال هستی و به عنوان چتری دانست که دیگر روابط را نیز در بر می گیرد. به عبارت دیگر، در زمینه رابطه انسان با خدا، بر هم خوردن تعادل و خروج آن از مسیر صحیح، باعث بروز بسیاری از مشکلات و گرفتاریهای نسل حاضر از جمله تخریب محیط زیست و طبیعت شده است. خداوند متعال در سوره روم، آیه ۴۱ می فرماید: "فساد در خشکی و دریا به خاطر کارهایی که مردم انجام داده اند آشکار شده است. خدا می خواهد نتایج کارهای مردم را به آنها نشان دهد و نتیجه بعضی از اعمالی را که انجام داده اند به آنها بچشاند، شاید بیدار شوند، و به سوی حق بازگردند"^{۳۳}. البته برخی افراد، شان نزول این آیه را اتفاقات خاصی در زمان پیامبر (ص) می دانند. اما ضمن این که چنین احتمالی را نمی توان رد نمود، توجه به این نکته نیز ضروری است که تعالیم الهی و قرآنی با داشتن منبع الهی، حتی اگر در زمینه اتفاقات یا حوادث خاص نازل شده باشند، مصادیق مشابه را در هر مکان یا زمان دیگر نیز شامل می شوند. برای مثال، در همین راستا، در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) نقل است که: "زندگی موجودات دریا به وسیله باران است. هنگامی که باران نبارد، هم خشکیها به فساد کشیده می شود و هم دریاها، و این هنگامی است که گناهان فزونی گیرد"^{۳۴} (تبیان، ۱۳۹۵).

نکته دیگر، این است که در انتهای آیه سوره روم، آیه ۴۱ تکلیف انسانها مشخص شده است. عبارت "شاید بیدار شوند و به سوی حق بازگردند"، به خوبی نشان می دهد که اگر در نظر باشد بر بسیاری از مشکلات، نابسامانی ها و معضلات دنیای مدرن از جمله تخریب طبیعت و محیط زیست فایق آییم، شاید به جرات بتوان گفت که گام نخست، برگشت به خدا و اصلاح رابطه انسانها با او است. این برگشت، ضمن این که در اصلاح دیگر روابط نیز تاثیر دارد، با سرلوحه قرار دادن تعالیم الهی در زمینه چگونگی روابط از جمله با یکدیگر و با طبیعت، می تواند در بهبود وضعیت محیط زیست و تحقق توسعه پایدار، نقش اساسی ایفا نماید. بر این اساس، به نظر می رسد برخی توصیه ها به شرح زیر می تواند در موفقیت بهتر رویکرد های مشارکتی برای حفظ محیط زیست با رویکرد متعالی موثر باشد:

- در برنامه های ترویج و توسعه کشاورزی، رویکردهایی از قبیل ارزش ها و آموزه های دینی نیز مد نظر قرار گیرند. برای مثال، ارزش ذاتی قائل شدن برای طبیعت به دلیل منشأ گرفتن از ذات اقدس الهی و مسئولیت مداری آن ها در قبال طبیعت آموزش داده شود که باعث تقویت روحیه مسئولیت پذیری مخاطبان (مردم محلی) خواهد شد.
- سخنرانان مذهبی می توانند در کنار ارشاد دینی، اهمیت و ضرورت حفظ منابع طبیعی و محیط زیست را نیز بگنجانند و با روش های اقناعی و ترغیبی نگرش مخاطبان سازمان ترویج کشاورزی را در راستای ضرورت پارادایم متعالی تغییر داد و به آنها آموخت که طبیعت را همانند خانه خود حفظ نمود.
- برای درک جامع واقعیت بحران های محیط زیست، تحقیقات کشاورزی به روش های دستوری مبتنی بر دیدگاه کارشناسان بسنده نکرده و مشارکت ذی نفعان را در پژوهش به حداکثر رساند. به همین دلیل، روش های متنوع علمی، تعاملی، مشارکتی، مسئله گشایی گروهی، دیالکتیک و هرمنوتیک باید مورد توجه قرار گیرند.
- تمهیدات سازمان ترویج کشاورزی بر اساس تجربه و مشاهده بیرونی، تجربه شخصی و درونی تولیدکنندگان و نه فقط تجربیات محققان و مروجان در امر تولید و حفاظت از طبیعت مبتنی شود. لذا، محک قضاوت پیرامون اثربخشی تمهیدات ترویجی بر تفاسیر

^{۳۳} ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

^{۳۴} حَيَاتُ دَوَابِّ الْبَحْرِ بِالْمَطَرِ فَإِذَا كَفَّ الْمَطَرُ ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ، وَ ذَلِكَ إِذَا كَثُرَتِ الذُّنُوبُ وَ الْمَعَاصِي



مبتنی بر برهان و استدلال عقلی، مکاشفات درونی و شارع اسلام استوار خواهد بود. از نظر ارزش‌شناسی نیز، همگام شدن ارزش‌های انسان‌محور و محیط‌زیست‌محور در طول ارزش‌های توحیدی برای آزادی و رهایی‌بخشی انسان به منظور تقرب به خداوند نیز در اولویت قرار می‌گیرند.

• هدایت و یادآوری کشاورزان به آموزه‌های اسلامی نظیر: "اعتقاد به مالکیت مطلق خدا"، "پرهیز از اسراف"، "دوری از آزمندی"، "رعایت اصل کفاف"، "فناخت‌پذیری"، "توجه کافی به انفاق"، "پرداخت وجوه شرعی مانند خمس و زکات"، "بهره‌گیری صحیح از مواهب الهی"، "توجه به رابطه ایمان و تقوی با بهتر زیستن در این دنیا"، "امانتداری انسان و نه مالک طبیعت"، "خودشناسی و شناخت ماهیت واقعی انسان و منابع طبیعت"، "ارزش ذاتی- معنوی قائل شدن برای طبیعت"، "مسئولیت‌پذیری و احترام به طبیعت"، "خودیادآوری و تذکر"، "یادآوری روز قیامت"، "دوستی و اخوت با طبیعت"، "شناخت قرآن به عنوان حجت"، "توجه به ایمان همراه با عمل"، "عاقبت‌اندیشی"، "توجه مستمر به قوه قهری الهی" و "تسری اعتقاد به حیات جاودان".

منابع

ازکیا، م. و غ. ر. غفاری. (۱۳۸۰). بررسی رابطه‌ی بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی شهر کاشان، نامه‌ی علوم اجتماعی، ۱۷: ۳۱-۳.

ابراهیمی، ا. فاضلی، م. (۱۳۹۴). "تحلیلی بر سلامت زیست محیطی از منظر اخلاق فردی و اجتماعی (قرآن و حدیث)". اولین همایش ملی پژوهش‌های کاربردی در نگهداری محیط زیست، آب و منابع طبیعی.

انجمن علمی اسلام و توسعه اقتصادی، (۱۳۸۲). جایگاه مبانی و ارزش‌های دینی در برنامه‌های توسعه. همایش چالش‌ها و چشم‌اندازهای توسعه ایران، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، تهران

تبیان. (۱۳۹۵). قرآن آنلاین: ترجمه و تفسیر آیه ۴۱ سوره روم. قابل دسترس: <http://zokr.tebyan.net/newindex.aspx?pid=۲۶۶۸۸۲&TabIndex=۲&SourehID=۳۰&Aye=۴۱&PageID>

=۴۰۸

جوادی آملی، ع. (۱۳۸۶). "اسلام و محیط زیست". قم، مرکز نشر اسراء، صص ۱۵-۲۸۶.

جوادی آملی، ع. (۱۳۹۰). "مفاتیح الحیاه". چاپ سوم، قم، مرکز نشر اسراء، صص ۶۹۴.

جوادی آملی، ع. (۱۳۹۱). "بهره‌وری از روزی حلال و شکر نعمت‌های خدا". مجله پاسدار اسلام، سال ۳۲، شماره ۳۷۴، صص ۴-۵.

خورسندی، ج. (۱۳۸۳). بررسی عوامل مؤثر بر میزان مشارکت روستاییان در عمران روستایی شهرستان کرمانشاه (بخش سرفیروزآباد). پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد. دانشگاه رازی کرمانشاه، دانشکده‌ی کشاورزی، مدیریت توسعه‌ی روستایی. ۱۱۱ صفحه.

رستمی، م. ح. (۱۳۸۶). "سیمای طبیعت در قرآن". قم، مؤسسه بوستان کتاب، چاپ ۲، صص ۴۴-۹۰.

زمانی پور، ا. (۱۳۷۳). ترویج کشاورزی در فرآیند توسعه. انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد. ۳۳۵ صفحه.

شاه مراد، ل. (۱۳۹۰). "بررسی چگونگی فکر و رفتار زیست محیطی بین اعضای هیئت علمی دانشجویان و کارشناسان کشاورزی و منابع طبیعی شهرستان میمند". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده کشاورزی، دانشگاه شیراز، صص ۴۶-۷۷.

شاه‌ولی، م. و عابدی‌سروستانی، ا. (۱۳۸۴). تحقق رویکردهای جهانی آتی ترویج کشاورزی با کمک نظریه مدیریتی سازمان‌های فراگیر. روستا و توسعه، سال ۸، شماره ۴، صص ۱۴۵-۱۱۳.

شاه ولی، . و م. حاج حسنی، (۱۳۹۵)، راهبرد متعالی تلقیق دانش بومی و رسمی در دانشگاه‌ها، کنگره ملی آموزش عالی ایران، ۱۳۹۵، لوح فشرده مجموعه مقالات، مقاله شماره ۱-۹۹-۱۰-ا، تهران، دانشگاه تربیت مدرس. ۱۳۹۵.

شعبانعلی‌فمی، ح. ا. ج. علی‌بیگی و ا. ق. شریف‌زاده. (۱۳۸۳). رهیافت‌ها و فنون مشارکت در ترویج کشاورزی و توسعه‌ی روستایی، تهران، انتشارات مؤسسه‌ی توسعه‌ی روستایی ایران، چاپ اول، ۴۵۸ صفحه.



علی پور سعدآبادی، س. (۱۳۸۶). "نعمت و ابعاد آن از دیدگاه آیات و روایات". مجله رشد، دوره ۴، شماره ۱۶،
صص ۵۳-۵۷.

- Dunlap, R. E., K. D. Liere., A. G. Mering., and R. E. Jones. (۲۰۰۰). Measuring endorsement of the new ecological paradigm A revised NEP scale- statically data included. *Journal of Social Issues*, ۶: ۴۲۵-۴۴۲.
- Keniger, L. E., Gaston, K. J., Irvine, K. N., & Fuller, R. A. (۲۰۱۳). What are the Benefits of Interacting with Nature? *International Journal of Environmental Research and Public Health*, ۱۰(۳), ۹۱۳-۹۳۵.
- Shahvali, M. (۱۹۹۴). Component analysis of farmer and grazier decisions and attitudes in two local government Shires of New South Wales Australia. Dissertation of Doctoral of philosophy. The University of New south Wales.
- Thompson, J. (۱۹۹۵). Participatory approach in government bureaucracies: facilitating the process of institutional change. *World Development*, ۲۳:۱۵۲۱-۵۵۴

